[2-1- مقدمه 18](#_Toc378089937)

[2-2 -گفتار نخست: به مبانی و مفاهیم نظری مرتبط با عدم اطمینان 20](#_Toc378089938)

[2-2-1 -شرايط عدم اطمينان در تصميم گيري 20](#_Toc378089939)

[2-2-2-عوامل عدم اطمينان 24](#_Toc378089940)

[2-2-2-1نبود اطلاعات 24](#_Toc378089941)

[2-2-2-2- انباشتگي اطلاعات( پيچيدگي) 25](#_Toc378089942)

[2-2-2-3- شواهد متضاد 25](#_Toc378089943)

[2-2-2-4- ابهام 26](#_Toc378089944)

[2-2-2-5- اندازه گيري 26](#_Toc378089945)

[2-2-3 -آثار شرایط عدم اطمینان بر گزارشگری شرکت 29](#_Toc378089946)

[2-2-4 -آثار عدم اطمینان محیطی بر ارزش شرکت 30](#_Toc378089947)

[2-3- گفتار دوم: مبانی نظری عدم تقارن اطلاعاتی 30](#_Toc378089948)

[2-3-1-مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی: 32](#_Toc378089949)

[2-3-2 نقش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه: 33](#_Toc378089950)

[2-3-3-عدم تقارن اطلاعات و كارايي بازار: 34](#_Toc378089951)

[2-3-4- عدم تقارن اطلاعات و فرضيه پيام دهي 37](#_Toc378089952)

[2-3-5- پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتي در بازار سرمایه 38](#_Toc378089953)

**2-1- مقدمه**

در این مطالعه، به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و محافظه کاری سود با عدم تقارن اطلاعات، با در نظر گرفتن شرایط عدم اطمینان، می پردازیم. شرایط عدم اطمینان محیطی با ایجاد محدودیت‌های قابل ملاحظه، استراتژی و تصمیم‌گیری را در شرکت تحت تاثیر قرار می‌دهد. از انجاییکه شرکت‌ها تحت تاثیر محیط داخلی و خارجی خود هستند، مدیران شرکتها نیز در شرایط عدم اطمینان محیطی مجبور به اتخاذ تصمیمات استراتژیک هستند که در چنین محیطی به ارزش بازار و عملکرد شرکتها تاثیر منفی نداشته باشد( قوش و اولسن، 2009).

شرایط عدم اطمینان سرمایه‌گذاران بر روی توزیع جریان نقدی آینده شرکت تاثیرگذار است که می‌تواند باعث بوجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران آگاه و سرمایه گذاران ناآگاه شود(باتاچاریا و همکاران[[1]](#footnote-1)،2012).

از طرفی انتظار می‌رود که گزارشگری مالی در شرکت‌هایی که در شرایط عدم اطمینان فعالیت می‌کنند، مشکل باشد. و هر چه این شرایط پیچیده تر باشد بر ارزش شرکت‌ها در بازار تاثیرگذارتر خواهد بود. در چنین شرایط نامتقارنی، ما می‌توانیم استدلال کنیم که احتمال رویداد مدیریت سود و گزارشگری محافظه کارانه افزایش یابد (لافوند و همکاران[[2]](#footnote-2)، 2005 ). شرایط عدم اطمینان با نوسانات فروش، که بر تصمیم گیری‌های مدیریتی تاثیر می‌گذارد، ارزیابی شده است( چایلد[[3]](#footnote-3)، 1972، کرت و مارچ[[4]](#footnote-4)، 1963، ویلیامسون[[5]](#footnote-5)، 1975).

فرض بر این است که کاهش نوسانات سود گزارش شده، به نفع مدیران است( قوش و اولسن، 2009)، اما در یک محیط بی ثبات، انتظار می‌رود که ارزیابی مدیریت سود، به دلیل عدم ثبات درآمار و ارقام‌های حسابداری مشکلتر باشد. بنابراین، ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تاثیر مدیریت سود و گزارشگری محافظه کارانه بر عدم تقارن اطلاعاتی نسبت به یک محیط پایدار، کمتر است(گل و همکاران[[6]](#footnote-6)، 2003).
همچنین تاثیر مکانیزمهای حاکمیت شرکتی مانند سهامداران نهادی و درصد سهام شناور ازاد و ریسک ورشکستگی را بر عدم تقارن اطلاعاتی در چنین محیطی مورد بررسی قرار داده‌ایم. فصل حاضر به مبانی نظری و پیشینه تحقیق اختصاص دارد. محقق، موضوعات این فصل را در قالب گفتارهای زیر تدوین نموده است.

### 2-2 -گفتار نخست: به مبانی و مفاهیم نظری مرتبط با عدم اطمینان

### 2-2-1 - شرايط عدم اطمينان در تصميم گيري

امروزه تقریبا فعالیت همه سازمان‌ها و واحدهای تجاری در جهت تولید و ارائه‌ی کالا و خدمات، متأثر از عوامل محیط خارجی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند، کالاهای خود را در آن به فروش می‌رساند و عوامل مورد نیاز برای تولید و خدمات را از آن تأمین میکند. در نتیجه‌ی این ارتباط، عملیات و عملکرد سازمان‌ها تا حد زیادی متأثر از عوامل دیگر، همه‌ی سازمان‌ها و واحدهای تجاری برای کسب سود و تداوم فعالیت، به ناچار با محیط فعالیت خود در ارتباط هستند که در نتیجه‌ی این ارتباط، عملکرد و سودآوری آن‌ها تا حد زیادی متأثر از عوامل محیط خارجی بوده و تابعاً سازمان‌ها نیز بر محیط فعالیت خود تأثیر می‌گذارند. اهمیت تأثیر محیط بر سازمان آن چنان است که استاگدیل عقیده دارد، هر سازمان به نوعی محصول محیط خود است؛ زیرا که درگیر مبادله با محیط خود بوده و نیز ادامه‌ی حیات سازمان به شدت ریشه در روابط نگهدارنده‌ی آن با محیطش دارد(رضوانی و سهام خدم، 1389).

از آنجاکه هیچ سازمانی نمی‌تواند تأثیر عوامل محیطی را بر عوامل تولید خود، کنترل و یا محدود کند، در نتیجه نتایج عملیات و سودآوری آنها نیز تا حد زیادی متأثر از عوامل محیط خارجی بوده و این تأثیرگذاری به طور کامل تحت کنترل مدیران نیست. در این صورت، ایجاد تغییرهای غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده در عوامل محیط خارجی سازمان‌ها و هم چنین عدم اطمینان‌های ایجاد شده در محیط فعالیت سازمان، در بسیاری از موارد می‌تواند سوآوری و عملکرد مدیران را تحت تأثیر قرار دهد (همان منبع).

عدم اطمینان‌ها و شرایط غیرقابل پیش بینی که همواره از طریق محیط بر سازمان تحمیل می‌گردد، مدیران را در انتخاب استراتژی‌های مختلف در مواجهه با این عوامل دچار سردرگمی می‌کند. مدیران همواره سعی دارند با انعطاف‌پذیری، اثر این عوامل محیطی را تعدیل کنند. منظور از انعطاف پذیری، توانایی سازگاری شرکت در مقابل شرایط عدم اطمینان در محیط‌های با تغییرات سریع می‌باشد. اگر استراتژی‌های انتخابی توسط مدیر نتواند اثر عدم اطمینان‌های تحمیل شده بر سازمان را کاهش دهد، آن‌گاه گزارشگری مالی تحت تأثیر ناشی از این عدم اطمینان قرار خواهد گرفت. یکی از مهم‌ترین عناصر گزارشگری مالی که تحت تأثیر عدم اطمینان‌های محیطی قرار می‌گیرد، گزارشگری سود می‌باشد. اگر مدیر نتواند با انتخاب استراتژی‌های راهبردی، آثار عدم اطمینان‌های محیطی را در سود تعدیل نماید، سعی خواهد کرد با انتخاب روش‌های حسابدرای لازم و یا تأخیر و یا تعجیل در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها آثار این عدم اطمینان‌ها را در گزارش سود خنثی نماید (همان منبع).

برای بررسی عدم اطمینان‌های محیطی ابتدا باید محیط فعالیت شرکت را شناخت. محیط عبارت است از تمامی عواملی که در خارج از شرکت وجود دارند و بر تمام یا بخشی از آن اثر می‌گذارند. این تعریف بیان‌کننده‌ی فضایی می‌باشد که شرکت در آن به انجام فعالیت اقتصادی می‌پردازد. پیش‌بینی این فضای اقتصادی و واکنش نشان دادن به وقایعی که ممکن است فعالیت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، همواره یکی از دغدغه‌های مدیران شرکت‌ها می‌باشد. در سه حالت می‌توان محیط را غیرتکراری و نامطمئن نامید(رضایی نژاد و بابادی، 1391):

1. هنگامی که افراد از دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری شکایت دارند،
2. در مورد صحت بخش اطلاعات، تردید وجود دارد.
3. تصمیم گیرنده در مورد ترتیب طبقه بندی اطلاعات مرد نیاز نامطمئن است. عدم اطمینان‌های محیطی، شرایط و اقدامات برآمده از همین محیط می‌باشد.

برای عدم اطمینان‌های محیطی تعاریف مختلفی ارائه شده که تعدادی از این تعاریف عبارتند از:

1. عدم اطمینان محیطی به عنوان منشاء حوادث و روندهای متغیری که فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای سازمان خلق میکند، تعریف می‌شود( محقر و همکاران، 1389).
2. پفر و سالانسیک[[7]](#footnote-7)(1978)، عدم اطمینان‌های محیطی را به عنوان درجه‌ی ناتوانی در پیش بینی وضعیت آتی و رویدادهای آتی تعریف میکنند.
3. عدم اطمینان‌های محیطی یک عامل تصادفی است که انتخاب شیوه‌ی عملکرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد(گواین درجن[[8]](#footnote-8)،1984).
4. عدم اطمینان به احساس افزایش یافتن تردید اشاره دارد از طریق تغییر پذیری ذاتی ایجاد می‌گردد. در دنیای مدیریت شرکتی، عدم اطمینانهای محیطی به تردیدهای حرفه ای مدیران بر میگردد که این تردید‌ها زمانی ایجاد می‌شود که مدیر با شرایط رقابتی در آینده روبه رو می‌گردد که پیش بینی آن در زمان کنونی مشکل می‌باشد(مک مولن و شپرد[[9]](#footnote-9)، 2006).

با توجه به تعاریف ارائه شده، به طور کلی شریط عدم اطمینان‌ را می‌توان شرایط تحمیل شده توسط محیط بر شرکت تعریف نمود که 1) غیرقابل پیش بینی بوده، 2) فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای شرکت ایجاد نموده و 3) متغیر می باشند. البته باید به این نکته توجه نمود که تغییر، عدم اطمینان را ایجاد نمی‌کند، اما معمولاً تغییر به سختی قابل پیش‌بینی است.

عدم اطمينان مي‌گويد كه در يك موقعيت معين يك فرد نمي تواند اطلاعات را بطور كمي و كيفي به گونه‌اي مناسب براي تشريح، پيش‌بيني و ارائه حكم بطور معين و به شكل مقداري (عددي) و يا براساس ديگر ويژگيهاي آن مرتب سازد. در ادامه به تشريح جنبه‌هاي گوناگون عدم اطمينان پرداخته شده است(خسروشاهی، 1392).

زمينه معمول براي تحليل ريسك و مديريت آن، مسئله تصميم گيري در شرايط عدم اطمينان مي‌باشد كه بطور سنتي با استفاده از نظريه مطلوبيت انتظاری[[10]](#footnote-10) بررسي مي‌شود. هر چند اين نظريه بسيار محدود به موارد كاربردي است، اما مي‌تواند ديدگاه‌هاي مهمي در مورد اعتبار مفروضات ارائه نمايد. تصميم‌گيري براي پيش‌بيني نتايج يك واقعه بر مدل‌هايي تاكيد دارد. عدم اطمينان به معني امكان پيش بيني نتايج از طريق توزيع‌هاي احتمالي مي‌باشد. عدم اطمينان در بسياري از پديده‌هاي واقعي وجود دارد هنگاميكه مدل ساز عدم اطمينان را در مدل‌سازي چنين پديده‌اي لحاظ مي‌كند نتيجه آن به زمينه و محيط آن پديده بستگي پيدا مي‌كند. اگر مدل‌ساز تصميم به لحاظ کردن عدم اطمينان بگيرد، او مجبور است كه روشي را براي مدل كردن آن انتخاب كند (همان منبع).

برخي از محققان معتقدند كه يك تئوري، مثلاً نظريه احتمالات براي مدل‌سازي تمام انواع عدم اطمينان كفايت مي‌كند. تا دهه 1960 نظريه‌هاي احتمالات و آمار تنها روش‌هايي بودند كه براي مدل سازي عدم اطمينان بكار گرفته مي‌شدند و اين روش‌ها از سوي صاحب نظران بعنوان روشي براي مسائل علمي، سيستم‌ها، پديده‌ها يا حتي مسائل فلسفي نگريسته مي شده است. بعد از دهه 1960 نظريه‌هاي ديگري براي مدل كردن عدم اطمينان ارائه شدند. برخي از اين نظريه‌ها حتي ادعا مي كنند كه تنها ابزار مناسب براي مدل سازي عدم اطمينان مي باشند، در حاليكه تا كنون مفهوم عدم اطمينان به طور يكسان از سوي محققين تعريف نشده است.اين مفهوم براي زمينه‌هاي مشخص، تعريف خاص آن محيط را دارا مي‌باشد، براي مثال در منطق تصميم گيري "تصميم گيري در شرايط عدم اطمينان" بعنوان مجموعه كارهاي انتخاب براي حالتي كه پيش آمدهاي آن ناشناخته مي باشند تعريف مي گردد(همان منبع).

### 2-2-2- عوامل عدم اطمينان[[11]](#footnote-11)

عوامل متعددي در عدم اطمينان دخالت دارند. بيشتر اين عوامل بر جنبه اي از ويژگي‌هاي اطلاعات تاكيد دارند. برخي از اين عوامل بشرح ذيل مي‌باشند.

### 2-2-2-1- نبود اطلاعات[[12]](#footnote-12)

فقدان اطلاعات احتمالا معمول ترين عامل براي عدم اطمينان مي باشد. مثلا در ادبيات تصميم‌گيري، تصميم گيري در شرايط عدم اطمينان موقعيتي است كه در آن مدل ساز فاقد اطلاعات در مورد حالت‌هاي ممكني است كه اتفاق خواهند افتاد. واضح است كه اين به معني نبود اطلاعات كمي مي­باشد. در "تصميم گيري در شرايط ريسك" فرد معمولا موقعيتي را تشريح مي‌كند كه در آن مدل ساز احتمالات روي دادن حالتهاي مختلف را مي‌داند. اين وضع مي‌تواند كمبود اطلاعات كيفي ناميده شود. چون اطلاعاتي در مورد اتفاقات در دسترس مي‌باشد، ميتوان آن را به شكل تابع احتمال ارائه نمود. اما نوع اطلاعات موجود به مقداري نيست كه بتوان وضعيت را بطور قطعي تشريح كرد. وضعيت ديگري كه از نبود اطلاعات ايجاد مي‌شود تقريب[[13]](#footnote-13) مي‌باشد. در اين حالت فرد نمي‌تواند و يا نمي خواهد اطلاعات به ميزان كافي را براي تشريح دقيق جمع‌آوري كند، حتي اگر اين كار ممكن باشد. انتقال از وضعيت عدم اطمينان ناشي از نبود اطلاعات به موقعيت مطمئن با جمع آوري بيشتر و يا بهتر اطلاعات امكان پذير مي‌باشد. كيفيت اين كار بستگي به موقعيت و هدف مدل سازي دارد(ملانظری، 1386).

### 2-2-2-2 - انباشتگي اطلاعات( پيچيدگي)[[14]](#footnote-14)

اين نوع از عدم اطمينان ناشي از محدوديت توانائي انسان در دريافت و پردازش همزمان حجم وسيعي از داده‌ها مي باشد اين وضعيت ناشي از موقعيتي است كه در آن اطلاعات آنقدر گسترده مي‌باشد كه انسان نمي‌تواند آن را "هضم" كند و يا مواقعي كه با پديده‌هايي روبرو مي‌شويم كه داراي ويژگي‌ها و ابعاد بسيار زيادي مي‌باشند. كاري كه مي توان در اينگونه مواقع انجام داد توجه به ويژگي‌هايي است كه براي ما مهمتر مي باشند و ديگر اطلاعات رابايد رها كنيم. واضح است كه در اينگونه شرايط انتقال به وضعيت اطمينان با جمع آوري اطلاعات بيشتر ميسر نمي باشد بلكه بايد اطلاعات موجود را بهينه كرد(همان منبع).

### 2-2-2-3 - شواهد متضاد[[15]](#footnote-15)

عدم اطمينان مي تواند ناشي از تضاد شواهد و اطلاعات باشد. يعني ممكن است اطلاعات قابل توجهي موجود باشد كه به رفتار معيني از يك سيستم اشاره مي كنند و بعلاوه اطلاعات ديگري نيز به رفتار ديگري از سيستم اشاره دارد. اگر دو دسته از اطلاعات با يكديگر مغايرت داشته باشند آنگاه افزايش اطلاعات به هيچ وجه منجر به كاهش عدم اطمينان نخواهد شد. دلايل اينگونه مغايرت‌ها متفاوت مي باشد. اين مسئله ميتواند ناشي از اشتباه بودن برخي از اطلاعات كه توسط سيستم قابل تشخيص نيستند، باشد. يا ممكن است اطلاعات مربوط به ويژگي‌هاي ناپيداي سيستم باشد و يا حتي امكان دارد مشاهده گر براي سيستم، مدلي كه انتخاب كرده اشتباه باشد. در اين حالت انتقال به وضعيت اطمينان با بررسي مجدد اطلاعات و توجه به صحت آنها امكان پذير مي گردد. در برخي حالتها نيز حذف بخشي از حجم اطلاعات به كاهش مغايرت و حركت به سوي شرايط اطمينان توصيه مي گردد(همان منبع).

### 2-2-2-4- ابهام[[16]](#footnote-16)

منظور از ابهام موقعيتي است كه در آن اطلاعات زباني معيني داراي معاني متفاوتي باشد و يا به زبان رياضي وضعيتي كه داراي يك نگاشت يك – به – چند باشد. تمام زبانها شامل كلماتي هستند كه به دلايلي معناي متفاوتي در متون مختلف دارند اين وضعيت مي تواند ناشي از كمبود اطلاعات باشد و مشاهده گر مي تواند به راحتي با دانستن زمينه كلمه، تفسير درستي از آن ارائه دهد. اين نوع عدم اطمينان بايد تحت "نبود اطلاعات" طبقه بندي گردد زيرا با افزودن اطلاعات مي توان به شرايط اطمينان نزديك شد(کیم و همکاران[[17]](#footnote-17)، 2010).

### 2-2-2-5- اندازه گيري[[18]](#footnote-18)

واژه "اندازه گيري" نيز داراي تفسيرهاي گوناگون در موارد مختلف مي باشد. در اين نوشتار منظور، اندازه گيري مهندسي است يعني وسايل اندازه گيري براي سنجش شاخص‌هايي مثل سود، هزينه و....كيفيت تكنولوژي اندازه گيري در زمان ما پيشرفت زيادي كرده است و باعث تعيين دقيق تر خواص سيستم‌هاي فيزيكي شده است اما هنوز هم نمي توان برخي از ويژگي‌هاي "تصويري"[[19]](#footnote-19) را بطور كامل اندازه گيري نمود، لذا داراي مقداري عدم اطمينان در مورد اندازه واقعي مي باشيم. در اينجا به تفاوت دو مفهوم تصميم گيري در شرايط عدم اطمينان و تحت شرايط ريسك مي­پردازيم: تفاوت اين دو از لحاظ معلوم بودن و يا نبودن احتمال وقوع متغييرهاي غير قابل كنترل مي باشد بدين معني كه در شرايط عدم اطمينان بر خلاف شرايط تحت ريسك، احتمال وقوع عوامل غير قابل كنترل معلوم نيست. چون در شرايط تحت ريسك براي هر استراتژي، به تعداد متغييرهاي غير قابل كنترل، داراي مقادير مختلف مطلوبيت و رسيدن به هدف تصميم مي باشيم. لذا به منظور تبديل اين مقادير مختلف به يك مقدار قابل مقايسه با ديگر استراتژي‌ها، ‌از مفهوم ارزش انتظاري بهره مي گيريم. تصميم گيري در شرايط عدم اطمينان كامل به معني اين است كه مدل ساز در اين شرايط، فاقد اطلاعاتي در مورد احتمال متغييرهاي غير قابل كنترل بوده و درنتيجه براي انتخاب بهترين استراتژي (طرح) نمي تواند به محاسبه ارزش انتظاري بپردازد(همان منبع).

# 2-2-3 - آثار شرایط عدم اطمینان بر گزارشگری شرکت

هنگامی که محیط خارجی یک شرکت در اثر رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دچار نوسان می‌شود، عملکرد شرکت نیز به طور ناخواسته دچار نوسان می‌گردد؛ زیرا شرکت به ناچار مجبور است موا اولیه، نیروی کار و دیگر عوامل تولید خود را از این محیط نامطمئن تأمین کند و کالاها و خدمات خود را نیز ذر همین محیط به فروش برساند. از آنجا که همه‌ی این عوامل دائماً از نوسان‌های محیطی خود متأثر می شوند، در نتیجه عملکرد و سودآوری شرکت را به طور ناخواسته تحت تأثیر قرار می دهند. این در حالی است که وقوع و یا عدم وقوع این رویدادها تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نیست؛ زیرا هیچ شرکتی نمی تواند از تأثیرگذاری محیط بر عوامل تولید خود جلوگیری کند. بنابراین می توان گفت عدم اطمینان محیطی، تصمیمات شرکت و فعالیت‌های آن را محدود می‌کند، به هر حال مدیران دارای استراتژی‌هایی هستند که در موقع رو به رو شدن با عدم اطمینان از آن استفاده نموده و به این عدم اطمینان‌ها واکنش نشان می‌دهند. مدیریت سود یکی از انواع این استراتژی‌ها می‌باشد. مدیران شرکت‌ها به این امر تمایل دارند تا تغییرپذیری سودهای گزارش شده‌ی خود را کاهش دهند. در نتیجه، اقدام به مدیریت سود می نمایند. مدیریت سود، به معنای دخالت هدفمندانه در فرآیند گزارشگری مالی، با قصد رسیدن به اهداف شخصی است. و انجام مدیرت سود باعث ایجاد عدم تقارن بین مدیریت و سرمایه گذاری می‌شود. در عدم تقارن اطلاعاتی بالا، احتمالاً حجم مدیریت سود فرصت طلبانه نیز افزایش می یابد. علاوه بر این مدیریت سود، عدم اطمینان را درباره ی جریان نقدی آتی شرکت افزایش می دهد و این در حالی است که مدیریت سودف عدم تقارن اطلاعاتی بازار سهام را افزایش می دهد. نهایتاً، فرض می‌شود که کشف مدیریت سود سخت خواهد بود؛ زیرا در اعداد و ارقام حسابداری، پایداری وجود ندارد (قوش و اولسن، 2009).

 استانداردهای حسابدرای معمولاً دراتی از انعطاف پذیری در انتخاب روش‌های حسابدرای را برای مدیریت فراهم می آورند و مدیران معمولاً در هنگام رو به رو شدن با عدم اطمینان، به‌طور فرصت طلبانه‌ای از این روش‌ها برای کاهش نوسانات در سود گزارش شده استفاده می کنند(بانیسر و نیومن[[20]](#footnote-20)، 1996).

# 2-2-4 -آثار عدم اطمینان محیطی بر ارزش شرکت

همان طور که ذکر شد، مجموعه‌ی عوامل یک سازمان شناخته شده به عنوان عدم اطمینان‌های محیطی باعث ایجاد نوسان‌های زیادی در سودهای گزارش شده‌ی شرکت‌ها می شوند. افزایش نوسان در سود گزارش شده‌ی شرکت‌ها، موجب افزایش ریسک سرمایه گذاری در نظر سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان شده و در نتیجه، سهام این گونه شرکت‌ها با عدم استقبال سرمایه گذاران روبه ‌رو و قیمت سهام آنها کاهش می یابد. دلیل این امر آن است که وقتی سود عملیاتی، سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم گزارش شده‌ی شرکتی از سالی به سال دیگر، نوسان زیاد و غیرقابل توجیهی داشته باشد، ریسک سرمایه گذاری در آن شرکت در نظر سهام داران و سرمایه گذاران افزایش یافته، در نتیجه اشخاص کمتری اقدام به خرید و فروش سهام آنها می‌کنند و این کاهش حجم معامله‌ی سهام به مرور زمان موجب تنزال قیمت سهام این گونه شرکت‌ها خواهد شد. از طرفی دیگر، مؤسسه‌های مالی و اعتباردهندگان نیز تمایل کمتری به اعطاء وام و تسهیلات مالی به این گونه شرکت‌ها خواهند داشت و یا نرخ بهره‌ی بیشتر و شرایط سخت‌تری یرای آن‌ها در نظر می گیرند؛ زیرا عدم ثبات در وضعیت مالی شرکت معمولاً بیان کننده‌ی آینده‌ی نامطلوب برای ان بوده و برای اعتباردهندگان نیز نگرانی در مورد وصول مطالبات را به وجود می آورد. در این رابطه، در سال1987 موسز در طی تحقیق‌هایی درباره ی نحوه ی تاثیر گذاری نوسان سود بر نرخ استقراض و قیمت سهام که نوسان‌های سود با نرخ استقراض شرکتها رابطه ی مستقیم داشته و به طور معکوس بر قیمت سهام تأثیر می گذارد. در نتیجه، شرکت‌های دارای نوسان زیاد سود، ناگزیر به پذیرش نرخ استقراض بیشتری خواهند بود و قیمت سهام آن‌ها نیز کاهش پیدا می کند. با این وجود چنین شرایطیريال مدیران به منظور جلوگیری از کاهش قیمت سهام شرکت و امکان تآمین مالی آسان همچنین تحصیل بیشتری مبلغ پاداش در قراردادهایی که قسمتی از پاداش مدیران بر مبنای سود حسابداری تعیین می‌شود؛ همواره علاقه مند به گزارش سودهای نسبتاً یکسان و صعودی در طی دوران تصدی گری خود هستند(والاس[[21]](#footnote-21)، 2004).

ایجاد نوسان‌های زیاد ناشی از شرایط عدم اطمینان در سود گزارش شده، یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد مدیران تلقی شده و امنیت شغلی آینده‌ی آنها را به مخاطره می‌اندازد؛ زیرا سهامدران همواره مدیران را مقصر کاهش قیمت سهام و افزایش نرخ استقراض شرکت می‌دانند و سعی می‌کنند با تعدیل حقوق و مزایای آن‌ها و یا تعویض آنها در سال بعد چنین زیان‌هایی را جبران نمایند(قوش و اولسن، 2009). در نتیجه مدیران همواره حقوق و پادا‌ش‌های مطمئن و یکسان را نسبت به حقوق و پاداش‌های نامطمئن و چر نوسان ترجیح می‌دهند.

# 2-3- گفتار دوم: مبانی نظری عدم تقارن اطلاعاتی

# 2-3-1-مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی:

طبق نظر اسكات و همكاران[[22]](#footnote-22)(2003) زماني كه يكي از طرفين معامله نسبت به طرف ديگر، داراي مزيت اطلاعاتي باشد، مي‌گويند. سيستم اقتصادي از ديدگاه اطلاعات، نامتقارن است. در تئوري حسابداري، مسئله نامتقارن بودن اطلاعات داراي اهميت زيادي است زيرا بازارهاي اوراق بهادار دستخوش تهديدهاي ناشي از مسئله عدم تقارن اطلاعاتي قرار ميگيرند و اين به دليل وجود اطلاعات درون سازماني است. حتي اگر قيمت به طور كامل تمام اطلاعات موجود در بازار را به همگان منعكس كند، باز هم اين احتمال وجود دارد افراد درون سازمان، نسبت به افراد خارج از سازمان، داراي اطلاعات بيشتري باشند. در اين زمان، اين افراد از مزيت داشتن اطلاعات استفاده ميكنند و به منافع بيشتري دست مي‌يابند. زماني كه سرمايه گذاران خارجي از اين موضوع آگاه شوند، بديهي است مبالغي را كه آماده بودند در صورت وجود اطلاعات كامل، براي اوراق بهادار پرداخت كنند، نمي پردازند و بدين گونه در برابر زيانهاي احتمالي ناشي از وجود اطلاعات محرمانه، واكنش نشان می دهند (احمدپور و عجم، 1389).

# 2-3-2- نقش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه:

آنچه در بازارهاي سرمايه بايد مورد توجه قرار گيرد اين است كه بسياري از افرادي كه اقدام به سرمايه گذاري مي كنند، مردم عادي هستند كه تنها راه دسترسي آن‌ها به اطلاعات مهم، اطلاعيه‌هايي است كه از جانب شركت‌ها منتشر مي شود. يك نمونه از اين نوع اطلاعيه‌ها را مي توان اعلان سود برآوردي هر سهم دانست كه در آن سود پيشنهادي هرسهم از جانب شركت پيش بيني شده و به اطلاع عموم رسانده مي‌شود. حال اگر در بين سرمايه‌گذاراني كه در بازارهاي سرمايه مشغول فعاليت بوده، افرادي باشند كه از نظراطلاعاتي نسبت به سايرين در موقعيت بهتري قرار داشته باشند و به عنوان مثال ازاعلان‌هايي كه قرار است درباره سود صورت پذيرد مطلع باشند قادر خواهند بود تا برعرضه و تقاضاي بازار تاثير گذاشته و به اصطلاح، منجر به بروز شكاف قيمت‌ها شوند.

دليل اصلي آن نيز وجود عدم تقارن اطلاعاتي در بازار سرمايه است كه بر طبق آن افرادمطلع از اعلان سود و يا هرخبر با اهميت ديگر را نسبت به سايرين در موقعيت تصميم گيري مناسب تري قرار مي‌دهد. يكي از نكات مهمي كه همواره در مورد بازارهاي سرمايه به ويژه بورس‌هاي اوراق بهادار مطرح مي‌شود، بحث كارايي بازار است كه بر طبق آن تمامي اطلاعات موجود در بازار، اثرات خود را بر روي قيمت سهام منعكس مي كنند. شايد بتوان از ديدگاه فرضيه بازار كارا، دليل وجودی حسابداري را عدم تقارن اطلاعاتي بيان كرد كه در آن يكي ازطرفين مبادله، اطلاعات بيشتري را نسبت به طرف مقابل در اختيار دارد. اين امر به علت وجود معاملات و اطلاعات دروني به وجود مي آيد. حتي اگر قيمت بازار اوراق بهادار كاملاً منعكس كننده اطلاعات باشد باز هم اين احتمال وجود دارد كه افراد درون سازماني بيش از افراد برون سازماني در مورد وضعيت كيفي شركت اطلاعات بيشتري در اختيار داشته باشند و بتوانند به واسطه اين مزيت اطلاعاتي در براي كسب منافع بيشتر اقدام كنند. در اينجا است كه يكي از زير شاخه‌هاي بحث عدم تقارن اطلاعاتي موسوم به "گزينش انتخاب مغاير " نمايان مي شود. گزينش مغاير به وضعيتي اطلاق مي‌شود كه در آن فروشندگان، اطلاعاتي در اختيار دارند كه خريداران از آن بي اطلاع هستند و بالعكس، كه اين امر دقيقا " قبل از وقوع معامله به وجود مي آيد.زماني كه معامله گران در بازار از وجود افراد غير مطلع آگاه شوند مساله گزينش مغاير افزايش مي يابد. در اين حالت افزايش سطح عدم تقارن اطلاعاتي از طريق گسترش تفاوت دامنه پيشنهادي قيمت خريد و فروش سهام نشان داده مي شود وبازارگردان‌ها از افزايش اين تفاوت براي جبران ريسك گزينش مغایر بهره مي گيرند. به عبارت ديگر، حضور افراد ناآگاه در بازار سرمايه اين امكان را فراهم مي سازد تا سرمايه گذاران حرفه اي نرخ بازده بالاتري به دست آورند(قائمی و وطن پرست، 1384).

# 2-3-3-عدم تقارن اطلاعات و كارايي بازار:

عدم تقارن اطلاعات زماني ايجاد مي شود كه سهامداران به اطلاعات محرمانه اي كه مديران شركت در اختيار دارند، دسترسي نداشته باشند. وجود اطلاعات كافي در بازار و انعكاس بموقع و سريع اطلاعات بر روي قيمت اوراق بهادار ارتباط تنگاتنگي با كارايي بازار دارد. در بازار كارا، اطلاعاتي كه در بازار پخش مي شود به سرعت بر قيمت تاثير مي گذارد. در چنين بازاري، قيمت اوراق بهادار به ارزش ذاتي آن نزديك است. به عبارت ديگر ويژگي مهم بازار كارا اين است كه قيمت تعيين شده در بازار، شاخص مناسبي از ارزش واقعي اوراق بهادار است. بازار كارا بايد نسبت به اطلاعات جديد حساس باشد. اگر اطلاعات تازه اي به اطلاعات عموم مي رسد، قيمت سهام عادي شركت متناسب با جهت اطلاعات ياد شده تغيير خواهد كرد. اگر بازار نسبت به اطلاعات جديد بي تفاوت باشد و عكس العمل لازم را نشان ندهد، يعني تحليل كننده اي در بازار براي ارزيابي و بررسي اثر اطلاعات جديد برقيمت نباشد، طبعا" آن بازار كارايي نخواهد داشت (جهانخاني و عبده تبريزي، 1377).

در شركت‌هايي كه سهامداران آنها را نهادها و شركت‌هاي ديگر تشكيل مي دهند، اطلاعات داخلي با ارزش درباره چشم اندازهاي تجاري آتي شركت و همچنين استراتژي‌هاي تجاري آن، از طريق ارتباط مستقيم بين مديران و شركت‌هاي مالك عمده سهام به طور انحصاري در اختيار قرار مي گيرد. اين انتقال اطلاعات اغلب از طريق كانال‌هايي همانند اعضاي مشترك هيات مديره در اختيار شركت‌هاي سهامدار قرار مي گيرد و از اين طريق اكثر شركت‌هاي سرمايه گذار به اين اطلاعات دسترسي پيدا مي كنند. لذا رواج مالكيت شركت‌ها توسط شركت‌هاي ديگرمي تواند نقش اساسي در كاهش ميزان عدم تقارن اطلاعات بين مديران و سرمايه گذاران برون شركتي و در نتيجه كارايي بازار سرمايه در مورد اطلاعات آنها داشته باشد.

عبده تبريزي و جهانخاني،1377، در مورد ويژگي بازاركارا بيان مي دارند: افراد مطلع در بازار وجود دارند و اين افراد با اطلاعاتي كه دارند بازار را به كارايي مي رسانند. اما آنها نمي توانند از اطلاعات و دانش افزونشان نتايج بهتر و سود بيشتري بدست آورند. در اين محيط فرد متخصص تر و آگاه تر از فرد عامي سود بيشتري نمي برد و افراد نا وارد در بازار كارا مغبون نمي شوند. قيمت بازار طوري تعيين مي شود كه منعكس كننده تمام اطلاعات خوب و بد است.

در بازار كارا، تعديل قيمت‌ها به سرعت انجام مي‌شود. در اين بازار افراد زيادي حضور دارند كه اطلاعات را دريافت و ارزيابي و ارزش آن را پيدا مي كنند و به فوريت اقدام به خريد و فروش مي كنند. اقدام فوري آنها باعث مي شود كه اطلاعات موجود دقيقا" و به سرعت روي قيمت‌ها انعكاس يابد.

يكي از معيارهاي سنجش كارايي بازار، تعيين نوع اطلاعاتي است كه در قيمت اوراق بهادار منعكس است كه عبده تبریزی و جهانخاني(1377) سه سطح به شرح زير براي آن مطرح نموده اند:

2-2-3-1- شكل ضعيف: در اين سطح از كارايي، قيمت‌هاي اوراق بهادار فقط اطلاعاتي را منعكس مي‌نمايند كه با قيمت‌هاي گذشته ارتباط دارد و از توالي تاريخي قيمت‌ها حاصل مي شود. اين اطلاعات بلافاصله در قيمت‌هاي جاري منعكس مي شوند. در اين حالت فرض مي شود قيمت اوراق بهادار فقط منعكس كننده اطلاعات تاريخي است. پس شكل ضعيف كارايي مي گويد كه با مطالعه روند تاريخي قيمت سهام، قادر نيستيم آينده را پيش بيني نماييم و قيمت سهام روند خاصي ندارد.

2-2-3-2- شكل نيمه قوي: در اين سطح از فرضيه، قيمت سهام منعكس كننده همه اطلاعات عام و منتشر شده است. در اينجا اطلاعات عام محدود به قيمت‌هاي گذشته نيست و در برگيرنده هر اطلاعي در باره عملكرد شركت و مشخصات صنعتي است كه آن شركت در آن فعاليت مي كند. در بازار كارا در شكل نيمه قوي قيمت بلافاصله با ورود اطلاعات جديد متاثر مي شود. چنين كارايي كمك بزرگي به سرمايه گذاران مي نمايد. به ويژه آنهايي كه حضوري كافي در بورس ندارند و نيز براي كساني كه شناختي همه جانبه از امور مالي ندارند.

2-2-3-3 شكل قوي: دراين حالت فرض آن است كه تمام اطلاعات مربوط و موجود اعم از اطلاعات محرمانه و در دسترس عموم در قيمت اوراق بهادار انعكاس دارد. قيمت اوراق بهادار حتي منعكس كننده تمام اطلاعات محرمانه جاري و تاريخي است. در اين سطح كارايي كه گسترده ترين مفهوم كارايي است، اگر اتفاقي در شركت بيفتد ديگر نمي شود گفت كه فقط مدير عامل آن را مي داند و ديگران از آن بي اطلاعند. در اين زمينه قيمت سهام شركت مورد نظر بلافاصله نسبت به اين اتفاق عكس العمل نشان مي دهد. زيرا همه اطلاعات محرمانه هم سريعا" به بازار منتقل مي شود و اطلاعات محرمانه افشا نشده اي در شركت وجود ندارد.

در چنين وضعيتي، مفروض است كه سيستم‌هاي كنترل داخلي شركت به قدري قوي است كه كسي نمي تواند اطلاعات محرمانه يا اطلاعات خاصي داشته باشد. وقتي مثلا" مدير عامل يا هيات مديره از امري با خبر مي شوند، بلافاصله بقيه نيز از آن باخبر مي شوند و چون همه خبر دارند، قيمت به سرعت متاثر مي شود، و بنابر اين اطلاعات به ظاهر محرمانه ديگر ارزش چنداني براي آن مدير عامل و ساير مديران عالي رتبه ندارد. اين نوع كارايي حتي در بورس‌هاي بسيار معتبر هم واقعيت ندارد.زير بناي فرضيات بازار كارا رقابت براي اطلاعات است(واتز وزيمرمن، 1986) [[23]](#footnote-23).

# 2-3-4- عدم تقارن اطلاعات و فرضيه پيام دهي [[24]](#footnote-24)

اگر در يك معامله بالقوه يك طرف اطلاعات بيشتري نسبت به طرف ديگر داشته باشد، عدم تقارن اطلاعات وجود دارد. اين مشكل شامل اطلاعات حسابداري هم مي‌باشد. مديران شركت‌هاي سهامي درباره ارزش شركت نسبت به سهامداران بيرون از شركت اطلاعات بيشتري دارند. آن شركت‌هايي كه قيمت سهام شان زير ارزش واقعي است، انگيزه دارند كه منابع اضافي براي اطلاعات مالي صرف كنند تا پيام بدهند كه سهام آنها كمتر از واقع ارزش گذاري شده است. شركت‌هايي كه سهام آنها بيشتر از واقع ارزش گذاري شده است، تلويحا اين موضوع را با عدم ارائه اطلاعات اضافي اعلام مي‌كنند و قيمت سهام تنزيل مي‌يابد. حال، تعدادي از شركت‌هايي كه سهام‌شان كمتر از واقع ارزش گذاري شده است، منابع صرف مي‌كنند تا اطلاعات اضافي ارائه دهند. اين فرآيند ادامه مي‌يابد تا جايي كه شركت‌هاي با عملكرد بد، پيام نمي‌دهند. به اين موضوع فرضيه پيام دهي گفته مي‌شود. پيام‌دهي انگيزه اي براي افشا در شركت‌هاي سهامي مي‌باشد. روشن است كه صرف منابع براي اطلاعات، تخصيص سرمايه را بهبود داده، ستاده را افزايش مي‌دهد. از آنجا كه بخشي از مخارج مربوط به عملكرد گذشته است و مربوط به آينده نمي‌باشد، لذا منافعي ايجاد مي‌كند و از اين رو پيام دهي صرفا تا آن ميزان مي تواند توليد اطلاعات اضافي در گزارش‌هاي حسابداري را باعث شود كه فزوني منافع بر مخارج داشته باشد(محمدی، 1391).

# 2-3-5 -پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتي در بازار سرمایه

طبق دیدگاه سنتی حسابداری، سرمایه­گذاران کوچک (عموماً کم اطلاع) نیاز به حمایت دارند. این دیدگاه احتمالاً از این واقعیت ناشی شده است که در بازار سرمایه نابرابری وجود دارد، ولی نیاز به مقررات جهت تعدیل چنین نابرابریهایی، معمولاً با عباراتی مبهم، ساده و پدرمآبانه بیان شده است. همچنین گفته شده است سرمایه­گذاران کوچک تحت سلطه افراد دارای اطلاعات محرمانه (درون سازمانی­ها) می­باشند. این دلیل که وضع مقررات به منظور مصون بودن سرمایه­گذاران کوچک در مقابل خطرات دزدی و کلاهبرداری است، قانع­کننده نیست. به طوری که بیان نمودن دلیل مذکور به عنوان لزوم وجود مقررات، به طور چشمگیری علاقه محققین حسابداری و اقتصاد را برای تحقیق در زمینه موضوعات مرتبط با مساوات، کم­رنگ کرده است. روس[[25]](#footnote-25) (1979) ضمن رد دلیل فوق، عنوان نموده است که:

شناسایی و تفکیک منافع برابری مقررات افشاء، بین افراد برون سازمانی و درون سازمانی مشکل است. به نظر می­رسد جدال بر سر چنین منافعی از این دیدگاه سنتی سرچشمه گرفته است که افراد درون سازمانی مسلط بر افراد برون­سازمانی هستند و لذا افراد برون سازمانی نیاز به حمایت دارند.

مساواتی که در این اینجا بحث می­شود از دیدگاهی کاملاً متفاوت ناشی می­شود. اصل این تفکر این است که سرمایه­گذاران از مرز بی­دفاعی فاصله زیادی دارند. حقیقتاً سرمایه­گذاران کم­اطلاع، ابزارهای متنوع و گسترده­ای در اختیار دارند تا بتواند خود را در مقابل استثمار (تسلط) سرمایه­گذاران مطلع حفظ نمایند. مثلاً سرمایه­گذاران کم­اطلاع با حداقل کردن معامله با سرمایه­گذاران مطلع می­توانند از خود دفاع کنند. راهکار دیگر این است که سرمایه­گذاران کم اطلاع می­توانند گروههای خاصی از افراد درون سازمانی نظیر مدیران که دارای اطلاعات محرمانه هستند را شناسایی کنند و از طریق مقررات قانونی و انعقاد قرارداد، آنها را از معامله اوراق بهادار شرکت منع نمایند. نهایتاً، سرمایه گذاران کم­اطلاع با گمان اینکه عدم تقارن اطلاعات به طور فاحش وجود دارد، ممکن است از معامله اوراق بهادار خاصی صرفنظر کنند یا کلاً از بازار سهام خارج شوند. نکته قابل تامل این است که هر یک از این ابزارهای حمایتی (راه حل­ها) برای هر دوی سرمایه‌گذاران مطلع و کم­اطلاع و همچنین برای کل اقتصاد پرهزینه است، چون نگهداری اوراق بهادار برای مدت طولانی، موجب می­شود که سرمایه­گذاران نتوانند از منافع تغییر پرتفو که در نتیجه تغییر شرایط اقتصادی لازم می‌شود، استفاده نمایند. همچنین، منع مدیران از معامله اوراق بهادار شرکت خودشان، منافع حاصل از مالکیت چنین سهامهایی را کاهش می­دهد. این محدودیت­ها به نوبه خود سودمندی مالکیت سهام توسط مدیریت را در مسیر منافع مالکین و مدیران (کاهش هزینه­های نمایندگی) محدود می­سازد. خروج طیف زیادی از سهامداران کم اطلاع از بازار، سهامداران مطلع را از منافع سرشکن­شدن هزینه­های گزاف تهیه اطلاعات، محروم می­کند و به موجب آن انگیزه برای تولید اطلاعات کاهش می­یابد. بعلاوه، اقتصاد را از منافع توزیع ریسک و تخصیص منابع توسط بازارهای بزرگ و کارآی سرمایه محروم خواهد کرد. بنابراین در اینجا باید نگرانی خود را به سوی نابرابری در بازار سرمایه معطوف نمائیم.پیامدهای اقتصادی ابزارهای حمایتی اتخاذ شده توسط سرمایه­گذاران کم­اطلاع، هنگام رویارویی با سرمایه گذاران مطلع، توسط مدلهای اخیر که در رابطه با ساختار بازار سرمایه هستند به خوبی تشریح می‌شود. این مدلها بین عدم تقارن اطلاعات (نابرابری) و ویژگی­های بازار همچون هزینه معاملات، حجم معاملات و منافع اجتماعی معاملات، رابطه مستقیمی برقرار می­کنند. بعنوان مثال مدل (1985) میلگروم و گلوستن [[26]](#footnote-26) را در نظر بگیرید. در این مدل، رفتار «کارگزار مخصوص» (بازار ساز)، که خریداران و فروشندگان اوراق بهادار را با یکدیگر مطابقت می‌دهد، مورد بررسی قرار گرفته است. بازارساز با دو گروه از معامله­گران مواجه است، یکی سرمایه­گذاران مطلع که بهتر از وی راجع به یک شرکت خاص اطلاع دارند و دیگری سرمایه­گذارانی که نقدینگی بالایی دارند و کمتر از بازارساز اطلاعات دارند و یا  باید بدلیل فشار ناشی از نیازهای نقدینگی، دست به معامله بزنند. اساساً بازارساز، مانند هر فرد دیگری در بازار معمولاً به واسطه معامله با سرمایه­گذاران مطلع­تر ضرر می­کند، زیرا این­گونه سرمایه­گذاران با بازارساز معامله خواهند کرد مگر آنکه قیمتهای اعلام شده نسبت به اطلاعات آنها مطلوب­تر باشد. بنابراین بازارساز باید این زیانها را بوسیله سودهای معامله با معامله­گرانی که نیاز به نقدینگی دارند و یا مطلع نیستند، جبران نماید. توازن این سود یا زیان با ایجاد یک بازار خرید و فروش (پیشنهاد و درخواست) مناسب، دست­یافتنی است. بنابراین این بازار خرید و فروش، یک مکانیزم دفاعی در مقابل زیانهای مورد انتظار بازارسازها (در برابر سرمایه­گذاران آگاه­تر) است.

در بازارهای سرمایه­ای که تعداد افراد دارای اطلاعات محرمانه زیاد هستند و یا این افراد از مزیت اطلاعاتی بالایی برخوردار می­باشند، احتمال عدم تقارن اطلاعات یا نابرابری افزایش می­یابد. اندازه بازار به نوبه خود، هزینه معاملات اوراق بهادار را تحت تاثیر قرار می­دهد. بنابراین وسعت عدم تقارن اطلاعات، با میزان هزینه­های معامله رابطه مستقیم خواهد داشت.

بر اساس تحلیل­های تئوریک و شواهد تجربی، افزایش عدم تقارن یا نابرابری اطلاعات، با کاهش تعداد معامله­گران، هزینه­های زیاد معاملات، نقدینگی پائین اوراق بهادار و حجم کم معاملات رابطه دارد و در مجموع منجر به کاهش سودهای اجتماعی ناشی از معامله می­شود. در ادامه استدلال می­شود که باید هدف مقررات افشاء، تعدیل اثرات نامطلوب ناشی از نابرابری در بازار سرمایه باشد.

# 2-6-1 -تحقیق‌های برون کشور

مبانی تئوریک ادبیات مربوط به تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش، برای اولین بار از سوی دمستز[[27]](#footnote-27)(1968) مطرح گردیده است. وی در مقاله‌ی خود، رابطه‌ی بین اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی را با استفاده از دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش مطلق سهام با لگاریتم تعداد معاملات و لگاریتم تعداد سهام داران، رابطه منفی و معنی دار و با قیمت هر سهم رابطه‌ی مثبت و معنی دار دارد. نتایج تحقیق **مورس و اوشمن[[28]](#footnote-28)(1983)**، شواهدی در مورد رابطه‌ی بین افشای اطلاعات مالی و تغییرات در دامنه ی تفاوت قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش ارائه کرده است( خدامی پور و قدیری،1389).

**اسلون[[29]](#footnote-29)(1996)** این گونه استدلال میکند که سرمایه گذاران به طور متوسط، در درک محتوای اطلاعات اقتصادی اقلام تعهدی، کند عمل میکنند. نتایج بررسی‌های ژی [[30]](#footnote-30)(2001) حاکی از این است که ضریب مربوط به ارزش گذاری اقلام تعهدی، به طور قابل ملاحظه ای از ضریب مربوط به پیش بینی اقلام تعهدی، بیشتر است. به عبارت دیگر، بازار، اقلام تعهدی را بیش از ارزش واقعی ان قیمت گذاری میکند. یافته‌های تحقیق نشان میدهد این ارزش گذاری بیش از واقع، عمدتاً برای اقلام تعهدی غیر عادی، اتفاق می افتد.

**هامر و گرافل[[31]](#footnote-31)(2008)** به ذکر این نکته مهم پرداختند که عدم اطمینان باید به عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی مدنظر قرار گیرد. تحقیقات متفاوت به نتایج بعضا متناقضی با هم رسیده اند که یک علت عمده در این باب، نادیده گرفتن کانال ومکانیزم انتقال عدم اطمینان می باشد.

**باچتیار[[32]](#footnote-32)(2008)**، در مطالعه ی خود، به بررسی رابطه ی میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی، پرداخته است. یافته‌های تحقیق وی حاکی از این است که اقلام تعهدی، رابطه ای مثبت و معنی دار با عدم تقارن اطلاعاتی، دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان دهنده ی وجود یک رابطه ی مثبت و معنی دار میان اقلام تعهدی اختیاری ( غیر عادی) و عدم تقارن اطلاعاتی است.

**بایوم و همکاران[[33]](#footnote-33)(2008)** با هدف یافتن نقش اهرمهاي مالی به عنوان یکی از اجزاي عمده ساختار سرمایه در رفتار سرمایه گذاريها در شرایط عدم اطمینان، تحلیلهاي رگرسیونی خود را با در نظر گرفتن نرخ رشد سرمایه‌گذاري به عنوان متغیر وابسته در مقابل متغیرهاي عدم اطمینان و برخی از متغیرهاي دیگر همچون توبين كيو، نسبت جریانات نقدي به مجموع دارایی‌ها و نسبت مجموع دارایی به بدهی انجام دادند. آنها با رساندن نمونه اولیه خود به 4512 شرکت -سال شامل 449 شرکت آمریکایی، دریافتند که اثر عدم اطمینان بر سرمایه گذاري به نوع عدم اطمینان بستگی دارد و ممکن است مثبت یا منفی باشد.

**لویز و سچراند**[[34]](#footnote-34)**(2009)** نشان دادند که شرکتها در پاسخ به افزایش عدم اطمینان ناشی از سقوط و دگرگونی بازارهای پولی واکنش نشان می دهند و در سیاستهای افشا و گزارشگری مالی خود تجدیدنظر می کنند. آنها پیشنهاد کردند که راهبردهای گزارشگری مدیران شرکتهای سهامی بطور بالقوه تحت تأثیر عوامل خارجی و از جمله منابع تامین مالی قرار دارد.

**کیم و همکاران[[35]](#footnote-35)(2010)،** در تحقیقی تأثیر عدم اطمینان بازار سرمایه بر انتشار پیش بینی سود مدیریت و پاسخ سرمایه گذاران به این پیش بینی‌ها را بررسی نمودند. آنها دریافتند که در طول دوره‌های عدم اطمینان بالا، از یک طرف، کاهش معناداری در فراوانی انتشار پیش بینی‌های سود مدیریت رخ داده است و از طرف دیگر، انتشار اخبار بد و اندازه اخبار بد، محدود شده است. بررسی واکنش بازار سرمایه به انتشار پیش بینی سود نشان داد که سرمایه گذاران به اخبار بد در طول دوره‌های عدم اطمینان بالا، شدیدتر است. این یافته‌ها حاکی از این است که حساسیت سرمایه گذاران به اخبار بد پیش بینی سود، در طول دوره‌های عدم اطمینان بالا، تمایل مدیران را به انتشار پیش بینی سود و بخصوص اخبار بد پیش بنی کاهش می دهد. همچنین نتایج نشان داد که شرکتهای با ریسک بالاتر، با احتمال بیشتری افشای اطلاعات اختیاری را در طول دوره‌های عدم اطمینان بالا کاهش می دهند.

**چویی[[36]](#footnote-36)(2010)**، نشان داد که نوسان عدم اطمینان بازار، باعث تغییر در واکنش قیمت سهام به سود غیرمنتظره شرکت می‌شود. نتایج این تحقیق حاکی از این است که زمانی که سرمایه گذاران در خصوص وقوع رونق یا رکود اقتصادی با عدم اطمینان روبرو هستند؛ اخبار بد پیش بینی سود تأثیرات شدیدتری در کاهش قیمت سهام دارد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که اخبار بد، عدم اطمینان سرمایه گذاران در خصوص تغییر وضعیت اقتصادی آتی را افزایش می دهد. همچنین، زمانی که سرمایه گذاران در طول دوره‌های رکود تجاری با عدم اطمینان مواجه هستند؛ اخبار خوب، باعث افزایش شدیدتر قیمت سهام می‌شود.

**حبیب و همکاران (2011)** در تحقیقی واکنش بازار سهام به هموارسازی سود برای شرکتهای فعال در محیط‌های با عدم اطمینان بالا را بررسی کردند. آنها سطح هموارسازی سود را با استفاده از بررسی ارتباط بین تغییرات اقلام تعهدی با جزء نقدی سود، اندازه گیری نمودند. همچنین برای محاسبه ضریب پاسخ سود از دو معیار مبتنی بر محتوای اطلاعاتی هموارسازی سود استفاده کردند. نتایج نشان داد که واکنش بازار سرمایه به اطلاعات مبتنی بر هموارسازی سود برای شرکتهای فعال در محیط‌های با عدم اطمینان بالا، شدیدتر از سایر شرکتهاست. در این راستا، یافته‌های تحقیق، تئوری واکنش بازار سرمایه به هموارسازی سود را تایید می کند.

**کورمیر و همکاران (2013)،** به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات با توجه به شرایط عدم اطمینان پرداختند. در این مطالعه، به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات، با در نظر گرفتن شرایط عدم اطمینان، می پردازیم. نتایج نشان می دهد که یک محیط پیچیده و پویا، رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری[[37]](#footnote-37) و عدم تقارن اطلاعات را که بعنوان نوسانات قیمت سهم و گسترش اندازه گیری در نظر گرفته می شوند، ضعیف می کند. خصوصا، رابطه مثبت بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات برای شرکت های متنوع، که به شدت در R & D سرمایه گذاری می کنند، و کسانی که در معرض نوسانات فروش بالا قرار دارند را تضعیف می کند. این مساله بر مشکل سرمایه گذاران برای ارزیابی مدیریت سود در یک محیط نامطمئن تاکید می کند. در نهایت، در چنین شرایطی، اقلام تعهدی اختیاری هستند، احتمال دارد توسط سرمایه گذاران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایالات متحده، بازار سهام شفاف در مقایسه با بازار سهام کانادا ،تشخیص داده شوند.

# 2-6-2 -تحقیق‌های درون کشور

**قائمی و وطن پرست (1384)** در مطالعه خود با عنوان «بررسي نقش اطلاعات حسابداري در كاهش عدم تقارن اطلاعاتي در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی نقش اطلاعات حسابداري در كاهش عدم تقارن اطلاعاتي در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در اين تحقیق وجود سطح عدم تقارن اطلاعاتي و تاثير آن بر روي قيمت سهام و حجم مبادلات در ٢١ روز قبل و بعد از اعلان سود برآوردي هر سهم مورد بررسي قرار گرفته است. جامعه آماري اين تحقيق، متشكل از ١٢١ مورد اعلان سود برآوردي شركت ها در طول سال هاي ١٣٨٣ - ١٣٨١ است. نتايج حاصل از اين تحقيق نشان ميدهد كه در طي دوره مورد مطالعه، عدم تقارن اطلاعاتي در بورس اوراق بهادار تهران بين سرمايه گذاران وجود داشته و اين امر در دوره هاي قبل از اعلان سود به مراتب بيشتر از دوره هاي پس از اعلان سود است.

**نوروش و همکاران)1384(،** در مقاله بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران به بررسی مدیریت سود طی سالهای 1375تا1382 پرداخته است یافته های تحقیق نشان می دهد که شرکت های بزرگ در ایران نیز به مدیریت سود اقدام کرده اند و انگیزه اعمال مدیریت سود با افزایش بدهی همراه می باشد، مدیران این شرکت ها از اقلام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکت هایشان استفاده می کنند و همچنین با بزرگتر شدن شرکت ها تمایل مدیران به مدیریت سود بیشتر می شود. **نوروش و همكاران(1385)**، كيفيت اقلام تعهدي و سود با تاكيد بر نقش خطاي برآور د اقلام تعهدي را مورد بررسي قرار داده اند. نتايج تحقيق نشان ميدهد كه ميان تغييرات سرمايه در گردش غيرنقدي و جريان هاي نقدي رابطه اي معني دار وجود دارد، از ميان ويژگي هاي منتخب هر شركت نظير اندازه شركت، ميزان فروش، چرخه عملياتي و نوسان در اجزاي اقلام تعهدي تغييرات سرمايه در گردش را ميتوان به عنوان ابزاري براي ارزيابي كيفيت سود به كار برد و معيار مورد استفاده در ارزيابي كيفيت اقلام تعهدي كه باقيمانده هاي حاصل از رگرسيون ميان تغييرات در سرمايه در گردش و جريان هاي نقدي هستند ؛ رابطه مثبت معني داري با پايداري سود دارد.

**ابراهيمي كردلر و حسني آذر دارياني(1385)،** اقلام تعهدي جاري اختياري را شاخصي براي ار يابي مديريت سود در نظر گرفتند و به بررسي مديريت سود در زمان عرضه اوليه سهام به عموم در شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتايج حاصل از ا ين تحقيق نشان ميدهد كه مديران، سود شركتها را در سال قبل از عرضه اوليه و سال عرضه اول يه سهام به عموم مديريت مي كنند. همچنين تأثير مديريت سود بر عملكرد بلندمدت قيمت سهام شركت عرضه كننده اوليه سهام به عموم مورد بررسي قرار گرفت. نتايج تحقيق نشان مي‌دهد كه بين اقلام تعهدي جاري اختياري سال اول شركت ها و عملكرد بلندمدت قيمت سهام در سه سال آتي رابطه مثبت وجود دارد.

**مرادپور اولادی و همکاران(1387)** به بررسی اثر عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پرداختند. در این تحقیق با توجه به شرایط خاص کشور و با بهره‌گیری از تحقیق‌های انجام شده در مورد کشورهای دیگر، الگویی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی ایران طراحی شده است. که در آن، سرمایه گذاری بخش خصوصی به صورت تابعی از سرمایه‌گذاری بخش دولتی، تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بهره و عدم اطمینان نرخ ارز واقعی است. نتایج بیانگر تأثیر معنادار و منفی عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی است.

**كردستاني و امير بيگي(1387)،** به بررسي عدم تقارن زماني سود به عنوان معياري براي سنجش محافظه‌كاري در گزارشگري مالي پرداخته شده است. مباني اين معيار بر پايه ديدگاه سود و زياني است و چارچوب آن بر شالوده‌هایی از تعريف محافظه كاري تعريف شده است كه امروزه در دنيا مطرح شده می‌باشد. براي بررسي عدم تقارن زماني سود در اين تحقيق رابطه اين معيار با نسبت " ارزش بازار به ارزش دفتري سهام( MTB)" به عنوان معيار شناخته شده‌ای از محافظه كاري مورد بررسي قرار می‌گیرد. با استفاده از اطلاعات صورت‌های مالي و قیمت‌های سهام 100 شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار طي دوره زماني 1375 تا 1385 و با استفاده از تجزيه و تحليل رگرسيون خطي چند متغير به كمك نرم افزار spss، نتايج نشان داد كه بين عدم تقارن زماني سود و نسبت MTB ، رابطه منفي معنا داري وجود دارد، هرچه دوره‌ی عدم تقارن زماني سود طولانی‌تر شود، اين رابطه نيز منفی‌تر می‌شود. رابطه منفي بين معيار عدم تقارن زماني سود و نسبت MTB ناشي از ساختار متفاوت اين دو معيار است .عدم تقارن زماني سود يك معيار سود و زیانی است و نسبت MTB يك معيار ترازنامه‌ای است . در واقع هر معيار جنبه‌ای از محافظه كاري را در گزارشگري مالي اندازه گيري می‌نماید و براي آنكه بتوان معيار محافظه كاري را اندازه گيري نمود، می‌بایست از تمام معيارها استفاده كنيم .

**رضازاده و آزاد (1387)**در مطالعه خود با عنوان «رابطه بين عدم تقارن اطلاعاتي و محافظه کاري در گزارشگري مالي» براي اندازه گيري عدم تقارن اطلاعاتي و محافظه کاري به ترتيب از دامنه تفاوت قيمت پيشنهادي خريد و فروش سهام و معيار باسو استفاده کرده اند. نتايج آزمون هاي تجربي با استفاده از اطلاعات مربوط به نمونه اي از شرکت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طي دوره 1381 تا 1385 حاکي از وجود رابطه مثبت و معني دار ميان عدم تقارن اطلاعاتي بين سرمايه گذاران و سطح محافظه کاري اعمال شده در صورت هاي مالي است. علاوه بر اين، نتايج تحقيق نشان مي دهد که طبق پيش بيني ما، تغيير عدم تقارن اطلاعاتي بين سرمايه گذاران موجب تغيير در سطح محافظه کاري مي شود. نتايج مزبور بيانگر اين است که به دنبال افزايش عدم تقارن اطلاعاتي بين سرمايه گذاران، تقاضا به اعمال محافظه کاري در گزارشگري مالي افزايش مي يابد و بدين ترتيب، سودمندي محافظه کاري به عنوان يکي از خصوصيات کيفي صورت هاي مالي مورد تاييد قرار مي گيرد.

**خدامی پور و قدیری (1389)،** به بررسی رابطه ی میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق، برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی و اجزای اقلام تعهدی، به ترتیب از دامنه ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و مدل تعدیل شده ی جونز با رویکرد مبتنی بر خطای برآورد، استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از این است که میان اقلام تعهدی غیر عادی و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد. با این حال نتایج تحقیق، رابطه ی معنی داری را میان قدر مطلق کل اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی، نشان نمی دهد.

**احمدپور و عجم(1389)،** به بررسي رابطه بين كيفيت اقلام تعهدي و عدم تقارن اطلاعاتي در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف از اين تحقيق، تعيين اين موضوع بود كه، آيا كيفيت اقلام تعهدي، اثر مهم و معني داري بر عدم تقارن اطلاعاتي شركتها دارد. از اين رو تعداد، 346 مورد اعلان سود برآوردی شرکتها در طول سالهای1381-1387 مورد بررسی قرار گرفتند. کیفیت اقلام تعهدی به عنوان متغیر مستقل و اختلاف قيمت پيشنهادي خريد و فروش سهام به عنوان متغير وابسته محاسبه گرديد. به منظور آزمون فرضيه‌ها از روشهاي ضريب همبستگي پيرسون و آزمونt زوجی بهره گرفتند. نتايج نشان مي‌دهد كيفيت اقلام تعهدي شركتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثير معني داري بر ميزان عدم تقارن اطلاعاتي ندارد.

**حجازی و همکاران(1390)،** به بررسی رابطه هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. از رگرسیون داده های پانل، مدل اثرات ثابت یا تصادفی و روش حداقل مربعات پانل برای آزمون فرضیه ها استفاده کردند. جامعه ي آماري شركت هاي غيرمالي حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طي سال هاي 84تا 88 مي باشد. نتايج نشان مي دهد كه بين هموارسازي سود و عدم اطمينان اطلاعاتي واحدتجاري در سطح اطمينان 95 درصد رابطه منفي معنادار وجود دارد؛ ضريب تعيين تعديل شده نشان می‌دهد كه اقلام تعهدي اختياري به عنوان معيار هموارسازي سود نسبت به اقلام تعهدي كل، توانايي بيشتري در توضيح عدم اطمينان اطلاعاتي واحدتجاري دارند.

**پورحیدری و همکاران(1390)** در تحقیقی به بررسي اين موضوع پرداختند که تحت چه شرايطي روشهاي بودجه بندي سرمايه اي در بين شرکت‌ها متفاوت است و چه چيز حاکم بر اين تفاوت‌هاست. آنها استدلال نمودند که مديران ممكن است ابهام را در محيط عمومي، صنعت و شرکت درك كنند. اين مطالعه فرصتي را براي تحليل اثرات عدم اطمينان‌هاي برون شرکتي (شامل عدم اطمينان رقابتي، نرخ ارز، عدم اطمينان سياسي) و عدم اطمينان‌هاي درون شرکتي (شامل عدم اطمينان رفتاري و وصول مطالبات) در روشهاي بودجه بندي سرمايه اي ارائه مي دهد.يافته‌هاي تحقیق حاکي از آنست که افزايش در عدم اطمينان‌هاي خاص بر بکارگيري روشهاي پيشرفته بودجه بندي سرمايه اي تاثير مي گذارد

**بافنده و همکاران(1391)** به بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر انتخاب راهبرهای مدیریت دانش در حوزه محصول(مطالعه موردی: دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی خراسان رضوی) پرداختند. نتایج نشان داد که عدم اطمینان محیطی تأثیر مثبتی بر راهبردهای اکتشاف دانش و بهره برداری دانش در حوزه محصول دارد. نتایج این تحقیق نقشی را که راهبردهای مدیریت دانش در حوزه محصول دارند، روشن تر کرد و چشم اندازهایی را برای مدیران دانشگاه ها فراهم ساخت تا خدمات آموزشی و تحقیقی خویش را بهبود بخشند.

**رحیمیان و همکاران(1391)،** به بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در تحقیق انها برای سنجش کیفیت سود از دو الگوی دچو و دی چو(2002) و الگوی السون(1996) و برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی در فرضیه اول از معیار شکاف قیمتی موثر و در فرضیه دوم از معیار درصد اثر قیمت استفاده شده است. جامعه مورد بررسی در این تحقیق، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و نمونه اماری شامل 59 شرکت در طی بازه زمانی 1383الی 1388 است. نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش کیفیت سود منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی میگردد.

**مجتهدزاده وفرشی(1391)** به بررسی رابطه محافظه كاري حسابداري و تصميمات سرمايه گذاري مديران در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. براي اندازه گيري محافظه كاري، دو معيار عدم تقارن زماني در شناسايي اخبار خوب در مقابل اخبار بد و معيار مبتني بر ارزش بازار استفاده شده کرده اند. اطلاعات مورد نياز از- صورت‌هاي مالي حسابرسي شده ي 99 شركت 297 سال شركت) طي دوره ي زماني 1387تا1389) استخراج شد. نتايج نشان دادکه، بين معيار عدم تقارن در شناسايي به هنگام براي اندازه‌گيري محافظه‌كاري با سودآوري آتي رابطه‌ي منفي وجود دارد؛ اين رابطه از نظر آماري معناداراست. همچنين معيار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري سهام براي سنجش محافظه كاري با سودآوري رابطه مثبت دارد.

**رضایی نژاد و بابادی(1391)** شرکت ها همواره با محیط فعالیت خود در تعامل بوده و از آن تأثیر می‌گیرند. در این تعامل با محیط ممکن است شرکت با شرایطی رو به رو گردد که غیرمنتظره بوده و امکان پیش‌بینی آن برای مدیر سخت باشد. بنابراین شرکت‌ها همواره تحت تأثیر عدم اطمینان‌های تحمیل شده، از طرف محیط فعالیت خود قرار دارند که در نتیجه‌ی این عدم اطمینان‌ها، فعالیت عملیاتی و گزارشگری شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بر اساس مبانی نظری مرتبط، نتایج حاصل از تحقیق ارتباط بین عدم اطمینان و ارزش شرکت را تایید می‌کند. همچنین به این نتیجه رسیدند که در محیط‌های نامطمئن احتمال مدیریت سود، مدیر افزایش می‌یابد.

**منابع**

منابع فارسی

1. ابراهیمی کردلر، ع و همکاران،( 1385). " بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "**،** فصلنامه بررسی­های حسابداری و حسابرسی، شماره 45، ص 3 تا 23.
2. احمدپور کاسگری، احمد ، مريم، عجم، (1389). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره 11، سال سوم، 107-124.
3. احمدپور، احمد وامير رسائیان، (1385). رابطه ی بین معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی،46 ; ص 37-60.
4. اسکات، ویلیام(2003)؛علي ،پارساییان، (1388) ." *تئوری حسابداری مالی(جلد دوم)"* انتشارات ترمه
5. بولو، ق و سید علی حسینی،(1386). " مديريت سود واندازه­گيري آن: رويكردي نظري "، مجله حسابدار رسمي، جامعه حسابداران رسمي ايران، سال چهارم، شماره 12، صفحه 72 تا 88 .
6. پورحیدری، امید و سميه یزدی،(1390)، بررسی مقایسه ای توان پیش بینی و محتوای اطلاعاتی عناصر صورت سود وزیان، مجله دانش حسابداری. سال دوم. شماره 7
7. پورحیدری، [امید،](http://database.irandoc.ac.ir/researchers/122135) [علی رحمانی](http://database.irandoc.ac.ir/researchers/1195) و [مجید مرادی شمیم](http://database.irandoc.ac.ir/researchers/391049)(1390). [بررسي تاثير عدم اطمينان هاي خاص بر بکارگيري روشهاي پيشرفته بودجه بندي سرمايه اي.](http://database.irandoc.ac.ir/articles/618483) پايان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اقتصادی.
8. حجازی ، رضوان، روح اله قیطاسی و محمد باقر کریمی(1390). هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی، بررسی های حسابدرای و حسابری، دوره 18، شماره 63،63-80.
9. خدامی پور، احمد،محمد، قدیری ،(1389). بررسی رابطه ی میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس ارواق بهادار تهران، مجله پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره دوم، 3،59، 1-29.
10. رحیمیان، نظام الدین ،حسن ، همتی ،مليحه، سلیمانی فر، (1391). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقان اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال سوم. شماره 10. 157-181.
11. رضازاده ،جواد،عبداله ، آزاد ،(1387)، رابطه ی بین تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره 15،شماره 54، زمستان،1387، 63-80.
12. رضایی نژاد، فرشاد، و محبوبه بابادی، (1391). اثرات عدم اطمینان های محیطی بر سود و ارزش شرکت، *کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری*، گرگان، دانشگاه جامع علمی کاربردی استان گلستان،
13. رضوانی، حمیدرضا،مازيار، سهام خدم ،(1389). دسته بندی معیارهای سنجش عدم اطمینان محیطی و ارائه ی یک چارچوب مفهومی. نهران. پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک.
14. رضوی اصل خسروشاهی، سید محمود،(1392). اثرات عدم اطمینان بر واکنش بازار سرمایه نسبت به مدیریت سود، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابدرای، دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
15. سادات برقعی،ز.،( 1385). "بررسی رابطه خطای برآورد اقلام تعهدی با کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت سود"، پايان نامه كارشناسي‌ارشد،دانشكده مدیریت دانشگاه تهران.
16. سراله شربتی(1389). بررسی نقش کیفیت اقلام تعهدی بر وجه نقد نگهداری شده توسط شرکتهای پذیرفته شده در صنایع خودروسازی و صنایع مواد غذایی بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ازاد اسلامی واحد اراک.
17. عبده تبریزی، ح، (1377). " تردید در اعتبار مدل­های مالی(مجموعه مقالات مالی و سرمایه گذاری)"، انشارات پیشبرد، صفحه 79.
18. قائمی، محمد حسین و محمد ،رحیم پور ،(1388). بررسی نقش اعلان های سود فصلی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین(ره)، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
19. قائمی، محمد حسین و محمدرضا ،وطن پرست، (1384). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه ی بررسی های حسابداری و حسابرسی،41: 85-103.
20. قائمی، محمد حسین.مهدي، شهریاری، (1388). حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت ها. مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز شماره اول، دوره اول.
21. مجتهدزاده، ویدا و اعظم ولیزاده(1390) رابطه مدیریت سود و بازده آتی دارایی ها و جریانهاي نقد عملیاتی آتی. تحقیقات حسابداری. شماره 6
22. محقر،علی،امير، احمدی،فاطمه، محقر، و نسیم معصوم زاده، (1389). بررسی عوامل اثرگذار درون و برون سازمانی بر تسهیم اطلاعات و کیفیت تسهیم اطلاعات در زنجیره ی تأمین. تهران ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.
23. محمدی، مینا(1391)، تاثیر سودهای غیرمنتظره بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تاکید بر خصوصیات کیفی سود)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ازاد اسلامی واحد تبریز.
24. مرادپور اولادی، مهدی،محسن، ابراهیمی و وحید عباسیون( 1387)، بررسی اثر عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال دهم، شماره 35، 159-176.
25. مرادزاده فرد، مهدی،نرگس، رضاپور و حجت اله فرزانی، (1389). بررسی نقش مدیریت اقلام تعهدی در نقدشوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم، پیاپی (5)، 110-116.
26. [مرادی شمیم](http://database.irandoc.ac.ir/researchers/391049)، مجید ،(1390). [بررسي تاثير عدم اطمينان هاي خاص بر بکارگيري روشهاي پيشرفته بودجه بندي سرمايه اي.](http://database.irandoc.ac.ir/articles/618483) پايان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اقتصادی
27. مشایخی، ب و مریم صفری، (1385)، " وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، فصلنامه بررسی­های حسابداری و حسابرسی، شماره 44، 35 -54.
28. مشايخي، بيتا؛ساسان، مهراني ،كاوه، مهراني وغلامرضا كرمي ، (1384). "نقش اقلام تعهدي اختياري در مديريت سود شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار" فصلنامه بررسيهاي حسابداري و حسابرسي، دانشكده مديريت، دانشگاه تهران، شماره ۴۲، 61-74.
29. ملانظري، م و ساناز كريمي زند، (1386)،" بررسي ارتباط بين هموارسازي سود با اندازه شركت و نوع صنعت در شركت­هاي پذيرفته شده در بورس تهران"، پايان نامه كارشناسي ارشد، دانشگاه تهران، فصلنامه بررسي­هاي حسابداري و حسابرسي دانشكده مديريت، شماره 47 ، صفحه 83 تا 100.
30. نوروش، الف و همکاران،(1385). " کیفیت اقلام تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی "، فصلنامه بررسی­های حسابداری و حسابرسی، شماره 43، صفحه 135 تا 160.
31. نوروش، ايرج، كاوه ،مهراني وزهره عارف منش ،(1387)." ويژگي شركتهاي هموارساز"،فصلنامه بصيرت، سال چهاردهم، شماره ۳۸
32. نوروش، ايرج،امين، ناظمي ،مهدي ،حيدري ،(1385). كيفيت اقلام تعهدي و سود با تأكيد بر نقش خطاي برآورد اقلام تعهدي.بررسيهاي حسابداري و حسابرسي.شماره 43
33. هاشمی،ع(1383)، "بررس تحلیلی رابطه بین جریانهای نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی صورتهای مالی - ارئه مدل برای پیش بینی جریانهای نقدی عملیاتی "، پايان نامه كارشناسي‌ارشد،دانشكده مدیریت دانشگاه تهران.

**منابع لاتین**

1. Bachtiar, Y. S. (2008). Accrual and Information Asymmetry. Paper Presented at the Ninth International Business Research Conference, Held at Dubai, United Arab Emirates, 2008. From WBI.
2. Bannister, J.W., and H. A. Newman.(1996). "Accrual usage to manage earnings toward financial forecasts". Review of Quantitative Finance and Accounting, 7: 259-278.
3. Basu, S. (1997)," The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", Journal of Accounting and Economics, 24, pp. 337-345.
4. Baum, C. F., Caglayan, M., Ozkan, N., & Talavera, O. (2008). The impact of macroeconomic uncertainty on non-financial firms’ demand for liquidity. Review of Financial Economics, 15, 289–304.
5. Bhattacharya, N., Desai, H., & Venkataraman, K. (2012). Does earnings quality affect information asymmetry? Evidences from trading costs. Contemporary Accounting Research, http://dx.doi.org/10.1111/j.1911-3846.2012.01161.x Binkley, J. K. (1982).
6. Child, J. (1972). Organizational structure, environment, and performance: The role of strategic choice. Sociology: The journal of the British Sociological Association, 6(1), 1–22.
7. Choi, Hae mi, 2010, Changes in Analysts’ Incentives under Uncertainty, Working paper. Electronic copy available at: [http://ssrn.com/abstract= 1727017](http://ssrn.com/abstract%3D%201727017)
8. Choi, Hae mi, 2010, Changes in Analysts’ Incentives under Uncertainty, Working paper .Electronic copy available at:
9. [http://ssrn.com/abstract=1727017](http://ssrn.com/abstract%3D1727017)
10. Cyert, R. M., & March, J. G. (1963). A behavior theory of the firm. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
11. Denis, C, Sylvain H, Marie-Josée L (2013). The incidence of earnings management on information asymmetry in an uncertain environment: Some Canadian evidence, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 1-13.
12. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. 2004. "Cost of equity and earnings attributes", The Accounting Review, 79 (4): 967-1010.
13. Ghosh, D. Olson, I.(2009)." Enviromental uncertainty and managers use of discretionary accruals." Journal of Accounting, organizations and society. 34: 188-205.
14. Ghosh, D., & Olsen, L. (2009). Environmental uncertainty and managers’ use of discretionary accruals. Accounting, Organizations and Society, 34(2), 188–205.
15. Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan. (2000). "Measuring reporting conservatism", The Accounting Review, 82(1): 65-106.
16. Govindarajan, V.J. (1984). "Appropriateness of accounting data in performance evaluation: An empirical examination of environmental uncertainty as an intervening variable". Accounting, Organizations and Society, 13: 125-136
17. Gul, F., Chen, C., & Tsui, J. (2003). Discretionary accounting accruals, managers’ incentives, and audit fees. Contemporary Accounting Research, 20(3), 441–464.
18. Habib A, Hossain M, Jiang H (2011). Environmental uncertainty and the market pricing of earnings smoothness. Advances in Accounting: Incorporating Advances in International Accounting, 27(2): 256-265.
19. Hammer, E., & Grafl, L. (2008). Financial uncertainty and business investment. Vienna University of Economics & B.A.: Department of Economics Working Paper Series, Working Paper No. 123
20. Hellman,, Niclas , 2007,"Accounting conservatism under IFRS" Implications", Accounting Horizons, 2003, 207-221
21. Khan, m., Watts, R.L, (2009). "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". Journal Of Accounting and Economics 48.
22. Kim,K. Pandit,S&Wasley.C,E.(2010). Aggregate Uncertainty and Management Earnings Forecasts. University of IllinoDA at Chicago. Chicago, IL 60607
23. LaFond, R., and R. Watts. 2007." The information role of conservatism. Working paper", Massachusetts Institute of Technology.
24. LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. Journal of Accounting and Economics, 39(2), 295–327.
25. McMullen, J. S., & D.A. Shepherd.(2006). "Entrepreneurial action and the role of uncertainty in the theory of the entrepreneur." Academy of Management Review, 31 (1): 132-152.
26. Paton, W. and Littleton, A. C. (1940) "An Introduction to Corporate Accounting Standards", AAA
27. Penman, S. H. and Zhang, X-J. (2002),"Accounting conservatism and the quality of earnings and stock returns", The Accounting Review, 77(April), pp. 237-264
28. Pfeffer, J. and Salancik, G. R. (1987). "The External Control of Organizations: A Resource Dependence erspective", Harper & Row, New York.
29. Sterling, R. R. (1967) Conservatism: "The fundamental principle of valuation in traditional accounting", Abacus, 3(2), pp. 109-132.
30. Tung, R. L. (1979). Dimension of organizational environment: An exploratory study of their impact on organizational structure. Academy of Management Journal, 22,672–693
31. Wallace, A, Wanda. (2004). the Economic Role of the Audit in Free Regulated Markets." Research in Accounting Regulation, Vol. 17.
32. Watts, R. 2003. "Conservatism in accounting Part I: Explanations and implications", Accounting Horizons, 17 (3): 207-
33. Watts, R.L. and J. Zimmerman, 1986, "Positive Accounting Theory", Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall.
34. Watts, R.L., 2003a, "Conservatism in accounting Part I: explanations and
35. Williamson, O. (1975). Markets and hierarchies, analysis and antitrust implications: A study in the economics of internal organization. New York: Free Press.
1. Bhattacharya et al [↑](#footnote-ref-1)
2. LaFond et al [↑](#footnote-ref-2)
3. Child [↑](#footnote-ref-3)
4. Cyert and March [↑](#footnote-ref-4)
5. Williamson [↑](#footnote-ref-5)
6. Gol [↑](#footnote-ref-6)
7. Pfeffer & Salancik [↑](#footnote-ref-7)
8. Govindarajan [↑](#footnote-ref-8)
9. McMullen & Shepherd [↑](#footnote-ref-9)
10. Expected utility theory [↑](#footnote-ref-10)
11. Zimmerman [↑](#footnote-ref-11)
12. Lack of information [↑](#footnote-ref-12)
13. Approximation [↑](#footnote-ref-13)
14. Abundance of information (complexity) [↑](#footnote-ref-14)
15. Conflicting evidence [↑](#footnote-ref-15)
16. Ambiguity [↑](#footnote-ref-16)
17. Kim,K. Pandit,S & Wasley.C,E [↑](#footnote-ref-17)
18. Measurement [↑](#footnote-ref-18)
19. Imagined [↑](#footnote-ref-19)
20. Bannister and Newman. [↑](#footnote-ref-20)
21. Wallace [↑](#footnote-ref-21)
22. Scott, et al., 2003 [↑](#footnote-ref-22)
23. 1Watts and Zimmerman [↑](#footnote-ref-23)
24. 3Signaling hypothesis [↑](#footnote-ref-24)
25. 1 Ross [↑](#footnote-ref-25)
26. Glosten & Milgrom [↑](#footnote-ref-26)
27. Demsetz, Harold [↑](#footnote-ref-27)
28. Morse and Ushman [↑](#footnote-ref-28)
29. Sloan [↑](#footnote-ref-29)
30. Xie [↑](#footnote-ref-30)
31. hammer and Grafl [↑](#footnote-ref-31)
32. Bachtiar [↑](#footnote-ref-32)
33. Baum et al [↑](#footnote-ref-33)
34. Leuz and Schrand [↑](#footnote-ref-34)
35. Kim et al [↑](#footnote-ref-35)
36. Choi [↑](#footnote-ref-36)
37. discretionary accruals [↑](#footnote-ref-37)